

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بیادداشت:

به دنبال نشر لیست به اصطلاح کاندید های انتخابات در "ولسی جرگه" و با مشاهده نام های تنی چند از آنانیکه ادعای سابقه مبارزاتی می کردند، یک تن از گزارشگران پورتال ابتکار به خرچ داده، ضمن طرح یک سؤال مختصر خواست نظر آنانی را در زمینه جویا شود که سابقه مبارزاتی داشته موضعگیری شان در قبال همچو مسایلی می تواند خط فکری طیف وسیعی از هواداران و متعلقین جنبش چپ را در جهت درستی متاثر سازد. به همین سلسله، از نخستین کسی که پرسش به عمل آورده ایم، آقای "ش. آهنگر" است که در ذیل پرسش ما و پاسخ ایشان را تقدیم می داریم:

اداره پورتال AA-AA

فرد دوم: یکی از شخصیت های طراز اول جنبش ملی دموکراتیک

فرد سوم: مبارز نستوه آقای داکتر میر عبدالرحیم عزیز یک تن از متصدیان پورتال

فرد چهارم: داوود فیضی یک تن از فعالین جنبش انقلابی کشور

فرد پنجم: هیوادوال کابلی یک تن از مبارزان آگاه و اندیشمند جنبش انقلابی و همکار قلمی پورتال

فرد ششم: انسان آگاه و وطنخواه شاذ دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی یک تن از متصدیان پورتال

فرد هفتم: احمد برومند یکی از فرزندان رنج و مبارزه و پاسدار خون شهدای به خون خفته جنبش انقلابی

فرد هشتم: نجیب ثاقب شاعر و نویسنده آزدیخواه و یک تن هواداران جنبش انقلابی افغانستان

فرد نهم: حکیم رضائی یک تن از فعالان جنبش انقلابی کشور

فرد دهم: نویسنده، شاعر، مترجم و مبارز آگاه و متعهد کشور لمبه

بعد از تعارفات معمولی:

سؤال:

در این روزها با اعلام نام نویسی کاندیداهای انتخابات پارلمانی تب وکیل شدن با لا گرفته و عده زیادی، من جمله تنی چند از روشنفکرانی که سابق دم از مبارزه میزدند، نامها و عکسهای شانرا در لیست کاندیدا ها به نمایش گذاشته اند. میخواهم نظر شما را در مورد انتخابات و به ویژه، در شرایط حاکم در افغانستان داشته باشیم.

شرکت در انتخابات پوشالی،

شرکت در سیاست های استعماری است

دوستان عزیز، نخست اجازه بفرمایید بخاطر ابتکاری که به منظور افشاء نمودن ماهیت اصلی انتخابات پوشالی رویدست گرفته اید، صمیمانه به شما تبریک بگویم و از تمام دوستانی که تا اکنون با نظرات بسیار ارزشمندشان در این پروسه سهم گرفته اند، ابراز سپاس نمایم.

این قلم در نوشته " ذوقزدگی و پوپولیزم حاکم در سیاست" که در سوم جون ۲۰۰۹ در پورتال رزمنده "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" نشر شده است، ضمن انتقاد از خود، در باره انتخابات پوشالی گفته بودم:

"چهار سال و اندی قبل، با خیالبافی "بد، بدتر و بدترین"، رفتیم بپای صندوق رأی تا رئیس جمهوری برای رژیم پوشالی "انتخاب" کنیم و شرکت مان را هم این پا آن پا کرده، بر بنیاد اصول کلاسیکران "تیوریزه" کردیم و نقل قولی نبود که از آستین نکشیدیم تا ملامت روزگار نباشیم، بدون اینکه بدانیم که در چه نوع جامعه ای حضور داریم و آیا حق داریم زنجیر های اسارت را خود بر گلوگاه ما و خلق ما سفتتر و محکمتر ببندیم."

لینک مطلب مورد نظر:

<http://www.afgazad.com/Siasi/060309-Lambah-Zawqzadagi-Popolism.pdf>

و اینک جای بس خوشی است که این بحث، از محدوده چند قلم بیرون می شود و به یکی از بحث های کلیدی روشنفکران مبارز تبدیل شده و جبهه ضد انتخابات پوشالی - یا در کلیت ضد استعمار - روشنفکران مبارز وسعت بیشتر می یابد و سنگر فرسوده "چپ"، "روشنفکران" و "روشنگران" را که در پلورالیزم اشغالگران برای فرمانروایشان اسفند دود می کنند و مثل بره های معصوم استعمار به پای صندوق های رأی می روند، از بنیاد می لرزاند.

بحث شرکت در انتخابات پوشالی، مدتها قبل، به خاطر شرکت عده ای سرشناس در انتخابات پوشالی و حاضری دادن ایشان به پای یونس قانونی و همبزم شدن با سیاف و محقق و پیرم قل و راکتی و آری گفتن ایشان به استعمار چهل و دو کشور استعمارگر آغاز شد که با عکس العمل ذهنیت های توطئه جویانه "چپ" فرسوده روبرو شد.

دوستانی که این بحث را آغاز کردند، می دانستند که با دماغ های سرد و خجولی روبرو خواهند شد که پاسخی جز سوالات شعارگونه "تروریستی" (۱) نخواهند شنید و می دانستند که با مشکل ترین و ناگوار ترین وظیفه روبرو هستند (۲) و می باید این وظیفه را به آخر برسانند.

.....

و اما پاسخ به پرسش مطرح شده شما:

در کشوری که در هر کوچه اش خون از چکمه های استعمارگران می ریزد، در کشوری که آزادی هونز یک رویای بیش نیست، در کشوری که "دموکراسی" با قتل عام ارزگانی ها، کندهاری ها و کنری ها و لغمانی ها عجیب می شود، در کشوری که "دموکراسی" در میان ضجه های زنان خوستی - که با سگ دریده می شوند - به داد و فریاد دیوانه وار جامعه مدنی، احزاب سرکاری، نهادهای حقوق بشری، فاشیست های مذهبی و "چپ" های میتدل تبدیل می شود؛ یک روشنفکر انقلابی و مبارز چگونه می تواند، جزو این داد و فریاد های پوشالی باشد؟

انتخابات در کشوری که استقلال سیاسی اش در پایگاه های امپراتوری جهانی به اسارت رفته است، بیشتر از یک صد و چهل هزار ستمگر تا اکنون هزاران هموطن ما را نیست و نابود کرده اند و دولت پوشالی - مافیائی با همدستی و تبانی با این جلادان چیزی جز بدبختی هدیه نمی کنند، به شوخی بد مزه ای می ماند که فقط خوشبایوران و لوده های سیاسی از آن لذت برده می توانند!!

کار برای برگزاری انتخابات پوشالی آغاز شده است و در این میان عده ای که ادعای مبارزه دارند و یا مربوط به سازمان های ظاهراً انقلابی اند، اینبار نیز - البته بدون ذکر نام حزب شان - کمر بسته اند تا در این پروسه استعماری شرکت کرده و در کنار سیاف، قانونی، قدریه یزدان پرست، نورزیه اتمر و سایر شیدان استعمار، به دموکراسی این جلادان لیبیک گفته و استعمارزدگی شان را یکبار دیگر به اثبات برسانند.

این جمع که به غلط اکت استفاده از تضاد ها را می نمایند، یا نادان هستند و یا هم عمدی خود را به حماقت زده اند و یا هم زیر نام تضاد و استفاده از شرایط علنی، مصروف محکم کردن روابط بیشتر با کشورهای خاص استعمارگر هستند؛ ورنه هر انسانی با آگاهی نیمه سیاسی - ولی با وجدان انقلابی - می داند که ساخت و پاخت زیر پرچم استعمار - زیر هر نام و اصطلاح سیاسی که باشد - خیانت به ارزش های استقلال طلبانه است.

در حال حاضر، تضاد عمده در کشور ما - تضاد خلق با جامعه جهانی (امپریالیزم) است - و تمام مجراهای مبارزاتی باید در خدمت مبارزه علیه استعمار قرار بگیرد، هر کسی که وسایل و ابزار مبارزاتی علیه استعمار را ترک و به عوض ابزار و وسایل استعماری را به خاطر "مبارزه برای مردم و افشاء کردن دولت پوشالی" کار می گیرد، نه تنها که کوچکترین خدمتی به خلق کرده نمی تواند، بلکه خود نیز در کرسی خیانت به استقلال کشور و خدمت به دولت پوشالی و استعمار جهانی حرام می شود.

در انتخابات پوشالی دوره گذشته شوراها و ولایتی و ولسی جرگه دیده شد، آنانی که خود را ولی و وصی مردم جا زده بودند، نه تنها که کوچکترین کاری برای مردم - که همانا تشریک در مبارزه ضد استعمار است - نکردند بلکه در وزارتخانه ها و ریاست ها و سفارت ها و مؤسسات و دفتر والی ها؛ بورس تحصیلی، پروژه، استخدام و واسطه گدائی کردند و چیزی به نام "استفاده از تضاد" از این عالیجنابان دیده و شنیده نشد.

و مبرهن و واضح است که اینبار نیز این "ولی ها و وصی های مردم" که نام خدا تجربه کافی در خدمت به استعمار حاصل نموده اند، به تکدی و گدائی و رشوه ستانی بیشتر از دولت پوشالی مصروف خواهند بود و بیش از پیش از تریبون استعمار به سود استعمار عمل خواهند کرد.

اجازه بدهید در آخر از هاینریش هاینه، شاعر آلمانی برایتان بگویم که گفته بود:

"کسی که با کتابسوزی آغاز کند کارش به آدمسوزی می کشد." **و در کشور ما کسی که از پارلمان استعماری آغاز کند، کارش به مردمکشی می کشد.**

پرسنده:

همکار نهایت عزیز، از ابراز نظر عالمانه و همه جانبه تان امتنان داریم امید سپاس ما را بپذیرید

لمبیه:

از شما هم تشکر.

-
- (۱) "می دانم که عوامفریبی ای که در این نوع ذهنیت توطئه جویانه وجود دارد غالباً در قالب سوالات شعارگونه "تروریستی" و از پیش متهم کننده ظاهر می شود مانند: چرا در این شرایط خاص؟ به طوری که پرسش ها مستقیماً از وجود یک "توطئه پیچیده" و خطر آن و "دست هائی که در نهان در کارند" حکایت می کنند و بدین وسیله راه را بر هر پرسش و کنکاشی می بندند، زمام گفتگو را به دست می گیرند و هر گونه تلاش را برای ادامه بحث با چماق خیانت متوقف کرده صداها را در گلو خفه می کنند." - صادق جلال العظم، سلمان رشدی و حقیقت در ادبیات، ص ۷
- (۲) "از مشکل ترین و ناگوار ترین وظایف این حرفه {نقد} این است که در باره ی اشخاص سرشناس و یا حتی از آن بدتر، در باره ی آنهایی که در نظر آدم {منتقد}، بزرگ و معتبر هستند، نکاتی مطرح می شود که ناخوشایند جلوه می کنند." - فونتانه، نویسنده و منتقد آلمانی، شپیگل، نوامبر ۱۹۹۶